

آسیب شناسی سرت و تخریب اموال عمومی (رفتارهای وندالیستی)

«قسمت سوم و پایانی»

«روس» با مرور مطالعات صورت گرفته در زمینه های وندالیسم، معتقد است که پیشگیری از این پدیده در شهرها اغلب مبتنی بر دو دیدگاه است: - مؤلفه های موقعیتی که به بررسی زمینه های بروز وندالیسم در محیط فیزیکی شهرتوجه دارد. - مؤلفه های انگیزشی که به بررسی ویژگی های شخصیتی و نظام ارزشی فرد می پردازد. به همین خاطر است که برای مقابله با وندالیسم، هم بروز وندالیسم و مکان بپای و وسایل و امکانات شهری توجه داشت و هم به آموزش شهروندان اندیشیدن تدابیر روان شناختی در جهت اصلاح رفتارهای ضد اجتماعی وندال ها مبادرت ورزید. علاوه بر این، جامعه شناسان نیز فقط به شناسایی و تعریف وندالیسم نپرداخته بلکه با توجه به اهمیت این موضوع، راهکارهایی را مطرح نمودند. جامعه شناسان شهری در این مورد بیشتر به ایجاد بسترهای رفتاری و اجتماعی و سلب انگیزه واکتش های تخریبی اشاره دارند و در ایجاد چنین بستری نیز پیش از هر عامل دیگر، بر رفع و حذف بی عدالتی و نابرابری ها در ساختار نظام های اجتماعی تأکید می ورزند که خواه ناخواه، تنها به عملکردهای مدیریت شهری محدود نمی شود و تعیین اهداف و سیاست های خرد و کلان را نیز دربرمی گیرد. به هر حال، در حیطه ی عملکردی مدیریت های شهری برای روبرایی با نتایج وندالیسم انجام و تحقق اقدامات زیر توصیه شده است:

- شناخت علل ورویشه اقدامات تخریبی و تعیین برنامه و راهکارهای مشارکتی برای رفع آنها. - بهبود استانداردهای زندگی در تمامی مناطق و محلات شهری و به ویژه در مناطق و محلات محروم و کم برخوردار. - از بین بردن نشانه های تبعیض در مناطق مختلف و شهری که می کند تا احساس ناامنی و اجحاف در شهروندان به خصوص شهروندان و جوانان که سرشار از هیجان، انرژی بوده و آماده ی تخلیه ی هیجانات هستند، کاهش یافته و آنها بتوانند از امکانات مورد نیاز خود در محل زندگی خود نیز بهره مند شوند. - ایجاد اعتماد و باور عمومی نسبت به فعالیتهای مدیریت شهری بطوری که شهروندان به صورت مستمر و از طریق منابع معتبر در جریان اقدامات و فعالیت های مدیریت شهری از قبیل نظارت های عمرانی، فرهنگی و ... قرار گیرند تا جای هیچ گونه شک و تردید در ذهن آنان باقی نماند. - برنامه ریزی برای ایجاد انگیزه و جلب مشارکت مردمی در فعالیت های اجتماعی و احساس تعلق بیشتر به شهر و محله خود با هدف افزایش احساس مسئولیت پذیری در بین شهروندان جهت جلوگیری از رفتارهای وندالیستی دیگران (اگر شهروندان در محیط های شهری، خود را به سهم بدانند و مدیریت شهری نیز زمینه های جلب مشارکت آنان به ویژه جوانان را فراهم نماید، طبعاً مردم نیز در مراقبت از اموال عمومی مشارکت فعالانه تری از خود نشان خواهند داد).

- ارائه ی آموزش های لازم به اقشار و گروه های مختلف شهرونتین با استفاده از تبلیغات محیطی، کتاب های درسی و آموزشی، رسانه های گروهی، همایش ها و مجامع و ... فرهنگسراها، پارک ها، بوستان ها و خانه های مجلات که در مناطق مختلف شهری توسط شهرداری ها اداره می شوند و مدارس بهترین مکان برای انتقال آموزه های شهرونتینی و آشنا ساختن مردم با حقوق و وظایف شهروندی شان است. استفاده از مربیان با تجربه و کارشناسان شهرداری ها و سازمان های مرتبط، می تواند شهروندان را با ملزومات زندگی شهری آشنا سازد. - ایجاد فضاهای مطلوب و مناسب در مناطق مختلف شهر برای تخلیه هیجانی نوجوانان و جوانان. (متأسفانه در برخی از شهرها، نوجوانان از داشتن زمینه بازی، تفریح و ورزش محرومند و هیجان های خود را به شکل ناسالم و در قالب رفتارهای وندالیستی در سطح شهر به نمایش می گذارند).

- در نظر گرفتن استحکام و شکل فیزیکی مناسب در ساخت سازه ها و فضاهای شهری (شهرداریها می توانند در ساخت اموال عمومی از اقدامات فنی و مهندسی و مصالح محکم تر و مقاوم تری استفاده نمایند. مثلاً ساخت صندلی از بتن و پایه های فلزی عمومی از محفظه های فولادی و شیشه هایی با قطر بالا می تواند مؤثر واقع شود. به نظر می رسد تخریب گرایان اموال عمومی چنانچه در تخریب خویش ناکام بمانند، موجب خاموشی رفتار تخریب گرایانه ی آنان فراهم می شود. از سویی مدیریت شهری و شهرداری ها باید بلافاصله پس از مشاهده ی اموال تخریب شده درصدد ترمیم آن برآیند. زیرا اموال عمومی که مورد تخریب قرار گرفته اند چنانچه به سرعت بازسازی نشوند، ضمن ایجاد نارضایتی عمومی، حس ترغیب به تخریب را در دیگران نیز فراهم می کنند). همچنین توجه به امر زیباییشناسی و افزایش نظارت طبیعی در ساخت و تجهیز اماکن عمومی نیز نیاستی از نظر دور نگه

داشته. - مکان بایی دقیق و مناسب تجهیزات به منظور پایین آوردن امکان دسترسی شهروندان. - توسعه ی آموزش و اطلاع رسانی پیرامون موضوع وندالیسم (در این زمینه شهرداری ها می توانند با برپایی نمایشگاه و نشان دادن اموال خرابت دیده و با انتشار و توزیع بروشور، کتاب و ویژه نامه های در خصوص ضررهای وارده توسط وندال ها و تأکید بر حفظ اموال عمومی به فرهنگ سازی مناسب اقدام نمایند). در این میان، وسایل ارتباط جمعی و رسانه های گروهی نقش بسزایی را ایفا می نمایند.

- افزایش نظارت و کنترل اجتماعی در اماکن عمومی و فراهم سازی اخذ گزارشات مردمی درخصوص تخریقات وندال ها به مراجع ذصلاح. - توسعه بکارگیری نگاهبان محله و پارکبان در اماکن و معابر عمومی و پارک ها و تفرجگاه های شهری و توجیه و آموزش و تجهیز آنان.

- پایش و تحلیل آمار وقوع، کشف، جغرافیا و بازه زمانی تخریب و سرقت اموال عمومی به منظور اتخاذ تدابیر پیشگیرانه متناسب هر منطقه. - نشانه گذاری اموال به نحوی که مشخص باشد متعلق به شهرداری یا سایر نهادهای خدمات عمومی می باشد. - به کارگیری ظرفیت سازمان های مردم نهاد. - به کارگیری سیستم پایش تصویری با اولویت نقاط دارای بیشترین آمار وقوع جرم. - پیگیری جمع آوری معنادان و افراد ولگرد و ساماندهی آنان در کمپ های ویژه دارای ظرفیت و امکانات لازم با همکاری سایر نهادهای ذصلاح. - تدوین برنامه های آموزشی ویژه شهروندان به منظور تبیین قوانین و مجازات های مرتبط با تخریب و سرقت اموال عمومی (به ویژه مواد ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۸۳، ۶۸۶ و ۶۸۷ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی).

معاونت پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کازرون

کتاب «اموال عمومی و حفاظت از آن» چاپ سازمان فرهنگی شهرداری مشهد به کوشش غلامرضا تیرتیز.

پروژه «وندالیسم در شهر» قابل دسترسی از طریق وب سایت سازمان زیباسازی شهرداری تهران به آدرس: www.zibasazi.ir

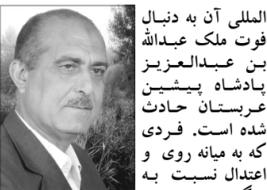
معاونت پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کازرون

کتاب «اموال عمومی و حفاظت از آن» چاپ سازمان فرهنگی شهرداری مشهد به کوشش غلامرضا تیرتیز.

پروژه «وندالیسم در شهر» قابل دسترسی از طریق وب سایت سازمان زیباسازی شهرداری تهران به آدرس: www.zibasazi.ir

جوان گرایی آل سعود!

منوچهر حبیبی



الملی آن به دنبال فوت ملک عبدالله بن عبدالعزیز پادشاه پیشین عربستان حادث شده است. فردی که به میانه روی و اعتدال نسبت به دیگر پادشاهان معروف بود. اما با روی کار آمدن ملک سلمان بی شک دولت و کشور عربستان شاهد تحولات غیر قابل پیش بینی است. چرا که وی دارای نظرات و دیدگاه های تندی نسبت به مسایل داخلی و منطقه ای است.

هرچند او که با به ۸۰ سالگی گذشته است خود خوب می داند که برای اداره کشوری که خود را قوی ترین و ثروتمندترین کشور عرب منطقه می داند فرصت و توان کافی را ندارد. اما آنچه که قطعاً می تواند به نوعی تأثیرگذار باشد انتصابات وی در

الجیبر داد. البته روند جایجایی میان شاهزاده ها بی شک به این سه تغییر مهم یعنی ولیعهد، وزیر دفاع و وزیر خارجه ختم نمی شود و در دیگر حوزه ها حتی وزارت نفت نیز انجام خواهد شد. چرا که اگر نگاهی به دیگر کشورهای منطقه و عرب داشته باشیم، بسیاری از این کشورها دست به این اقدام زده بودند و آنهاهی هم که به ظاهر این کار را نکرده بودند در عمل قدرت را به جوانان واگذار کرده بودند. برای مثال در مصر پسران مبارک، در عراق پسران صدام، در لیبی پسران قذافی و در اردن، سوریه و برخی کشورها هم این جایجایی ها با مرگ پادشاه و یا رئیس جمهور و یا شیخ انجام گرفته است.

نکته ای که در این میان حایز اهمیت است اینست که اقدام حکومت پادشاهی عربستان واقعا در راستای قدرت گرفتن نظام تک صدایی آل سعود بر شبه جزیره عربستان است و یا به نقل از یکی از رسانه های فرانسوی به نوعی کودتاست.

شاید آنچه در عربستان رخ داده به نظر یک امر داخلی بیاید، اما بسیاری از کشورهای منطقه و به ویژه قدرتهای جهانی از نزدیک آن را زیر نظر دارند. آنچه مهم است واکنش هیأت حاکمه جدید و نسبتاً جوان به رویدادهای منطقه ای است و در رأس این رویدادها مسأله ین، بحرین، سوریه، عراق و حتی فلسطین ... از مواردی است که می تواند تحت تأثیر این جایجایی ها قرار گیرد. حتی برخی کارشناسان نقستی تحولات سیاسی و داخلی عربستان را بسیار تأثیرگذار در افزایش و یا کاهش بهای نفت ارزیابی کرده اند.

اما در این میان رابطه کشورهای با عربستان دچار تنش و تا حدودی سرد شده است که این امر نیز به دنبال همین حرمت به ایران ایرانی و مسأله یکن شدت گرفته است. همه این تغییرات و جایجایی ها و تأثیرات داخلی و بین

واژه جوان گرایی از واژه هایی است که نه تنها زیاد شنیده می شود، که در عرصه های مختلف نیز کاربرد دارد. بی شک عمده ترین و متداول ترین کاربرد جوان گرایی در ورزش است. آن هم وقتی نتیجه نمی گیرد رو به جوان گرایی می آورد. چرا که جوانان علیرغم تجربه کم، دارای انرژی و خلاقیت هستند و در هر عرصه - ای وارد شوند با کار جدید و نوین بیشتر کمبودها و نقاط ضعف خود را جبران می کنند.

آنجه این روزها در عربستان رخ می دهد به نوعی جوان گرایی است. جوان گرایی در هیأت حاکمه سعودی ها، یکی از رویدادهای عجیب و غریبی است که طی بیش از پنجاه سال گذشته و در واقع از سال ۱۹۵۳ به این طرف رخ داده است. البته به کار بردن واژه جوان گرایی برای افرادی که از جوانی فاصله گرفته اند و میانسالی را آغاز کرده اند شاید مناسب نباشد، اما وقتی که سن افراد بالای ۸۰ سال را با افراد حدود چهل سال و در همین حوال و حوش مقایسه کنید، خود به خود باید به این گروه میانسالی نسبت به افراد سالخورده جوان اتلاق کرد.

با مرگ ملک عبدالله، شاهزاده سلمان ۷۹ ساله سال گذشته به قدرت رسید و ولیعهدی را به جانشینی خود برگزید که پیش از ۷۵ سال سن داشت. او که برادر ناتنی اش بود بیش از چند ماه در این سمت قرار نداشت تا اینکه در یک اقدام کم سابقه هفتنه گذشته در خبرها آمد که ملک سلمان یکی از برادرزاده هایش را به این سمت و به جانشینی خود برگزید است. پیش از آن وزیر دفاع را تغییرید داده بود. شاهزاده ۳۰ ساله ای را به این سمت مهم آن هم در زمانی که درگیر جنگ در سین می باشد گمارده بود. این وسط عین الفیصل وزیر خارجه هفتاد و چند ساله که به زحمت روی پای خود می ایستاد از چهره های بسیار شناخته شده در عرصه دیپلماتیک عربستان و جهان بود که او نیز جای خود را به سفیر عربستان در آمریکا، یعنی عادل بن احمد

شورای فرهنگ عمومی روز ۱۹ اردیبهشت، زاوروز شیخ کلینی را به عنوان «روز اسناد ملی و میراث مکتوب» در تقویم به تصویب رساند.

پس از تصویب روز «اسناد ملی و میراث مکتوب» بسیاری از مؤسسات مرتبط همچون سازمان اسناد و کتابخانه ملی، کتابخانه و مؤره ملک، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و ... به سهم خود سعی در ارج نهادن به این روز کرده اند. آرشوها، تشکیلاتی با مأموریت های خاص و ویژه هستند. مأموریت هائی فراتر از موانع و مرمزهای مکان و زمان. آرشوی، حلقه ی پیوند میان گذشته، حال و آینده ای که ما معتقدیم ساختن آن، تنها با حفظ پیشینه های فرهنگی جامعه و نهاددن به اسنادی محقق می شود که امروز مسئولیت حفظ و نگهداشت آن ها به ما سپرده شده است و این مهم میسر نخواهد شد، مگر با زدودن غبار غربت از چهره آرشوها، با استناد از مردمی که خود پدیدآوران اسناد و نگهدارندگان و بهره برداران آن هستند.

آرشوی، پدیده ای تازه و نو ظهور نیست. هرچند در دنیا امروز، این واژه گستره و کاربردی وسیع تر از گذشته پیدا کرده است، اما به جرئت می توان گفت، از زمانی که حکومت ها و دولت ها پا به عرصه ظهور نهادند، آرشوی هم جایگاهی در تشکیلات حکومتی به خود اختصاص داد. سرآغاز تاریخچه پیدایش آرشوها را به زمان پیدایش خط نسبت داده اند، در دولت های عصر باستان مانند آشوریان و سومری ها، مصریان، هیتی ها، یونانی ها و رومی ها، می توان آرشوها ی آن روزگار، در سه ساختار یعنی آرشوی سلطنتی، آرشوی معابد و آرشویهای خصوصی دیده می شد. تاریخ تشکیلی آرشوها را در شکل نوین آن ها، قرن دوازدهم میلادی می دانند. در آن قرن، با بگانی مفهومی تازه پیدا کرد و به دنبال آن، تحوولی در مفهوم آرشوها و نگرش جامعه نسبت به اهمیت آنها پدید آمد. از دوره زرناسن تا انقلاب کبیر فرانسه، روز به روز بر اهمیت سیاسی آرشوها افزوده شد. در شکوفائی مفهوم نوین آرشوها، کشور فرانسه پیشگام بود. بروز انقلاب در آن کشور، با از میان برداشتن نهادهای قدیمی، امکان تمرکز آرشوها را به شیوه ای نوین فراهم آورد.

آرشوی در ایران نیز، دارای پیشینه ای که است و از آنچه در کتابها نقل شده است، چنین برمی آید که کشور ما از روزگار فرمانروائی هخامنشیان دارای نهادی با کار کردها و وظایف آرشوی بوده که در هر دوره، با نامی از آن یاد می شده است. واژه های چون خزانه، خزانه حجت و دفترخانه دیوان اعلا، از آن دست نام هایی است که در زمان های گذشته به آرشوی اطلاق می شده است. آرشوی با ساختار نوینش در ایران، با تصویب «قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران» در هفدهم اردیبهشت سال ۱۳۴۹ ش، در مجلس شورای ملی، پدیدار شد. این سازمان در نقش آرشوی ملی ایران، تا سال ۱۳۸۱ عنوان سازمانی مستقل مشغول فعالیت بود تا این که در تاریخ ۲/۱۶/۱۳۸۱، بر اساس مصوبه شورای عالی اداری، با کتابخانه ملی ایران ادغام و سازمانی جدید با عنوان «سازمان اسناد و کتابخانه ملی

روز اسناد ملی و میراث مکتوب

منوچهر حبیبی

جمهوری اسلامی ایران» به وجود آمد و هر دو نهاد پیشین، در آن به عنوان معاونت های مستقل، شروع به فعالیت کردند. آنچه در آرشوی ملی ایران و دیگر آرشوها نگهداری می شود، حاصل و عصاره تلاش و کارکرد ادارات، گروه ها و بخش هائی از وزارتخانه ها، سازمان ها و مؤسسات دولتی که در این زمینه سرگرم فعالیت هستند. این حاصل ارزشمند، سند نام دارد و مصادیق آن بر اساس قانون تأسیس سازمان اسناد ملی، شامل کلیه اوراق، مراسلات، دفاتر، پرونده ها، عکس ها، نقشه ها، کلیشه ها، نمودارها، فیلم ها، ریزفیلدها، نوارهای ضبط صوت و دیگر اسنادی است که در دستگاه دولت تهیه شده یا به دستگاه دولت رسیده است و به طور مداوم یا غیرمداوم در تصرف دولت بوده و از لحاظ اداری، مالی، اقتصادی، قضائی، سیاسی، فرهنگی، علمی، فنی و تاریخی، به تشخیص معاونت اسناد ملی ایران، ارزش نگهداری دائمی داشته باشد. همچنین در این ماده، قانون گذار، اهداف عمده خود را از ایجاد آرشوی، جمع آوری و حفظ اسناد ملی ایران در سازمان واحد و فراهم آوردن شرایط و امکانات مناسب برای دسترسی عموم به این اسناد و همچنین صرفه جویی در هزینه های اداری و استخدامی، از طریق تمرکز پرونده های راکد وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و اجماع اوراق زائده، برشمرده است. توجه به دستاوردهای ذوقی و فکری آراء و اجدادی، می باید برای تحکیم و تقویت هویت فرهنگی، دینی و ملی مان، هرچه بیشتر ادامه یابد. وجود این گنجینه های گهرا بی در میان مردم و مراکز فرهنگی، کتابخانه های مساجد، مدارس قدیمی و موزه ها، مایه پربلندی و افتخار ما ایرانیان است. این افتخار اتمام حجتی است برای نسل امروز تا بدانند و در یادند که ما ملتی هستیم با اراده، اخلاق و صاحب استعداد های فوق العاده. اگر بخواهیم، می توانیم؛ چنانکه خواجه نصیرالدین طوسی ها و خواجه رشیدالدین ها و شیخ بهایی ها و دیگران توانستند و تا این زمان موجب عزت و سرفرازی بسیار برای ایرانیان شده اند.

شورای فرهنگ عمومی روز ۱۹ اردیبهشت، زاوروز شیخ کلینی را به عنوان «روز اسناد ملی و میراث مکتوب» در تقویم به تصویب رساند.

پس از تصویب روز «اسناد ملی و میراث مکتوب» بسیاری از مؤسسات مرتبط همچون سازمان اسناد و کتابخانه ملی، کتابخانه و مؤره ملک، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و ... به سهم خود سعی در ارج نهادن به این روز کرده اند. آرشوها، تشکیلاتی با مأموریت های خاص و ویژه هستند. مأموریت هائی فراتر از موانع و مرمزهای مکان و زمان. آرشوی، حلقه ی پیوند میان گذشته، حال و آینده ای که ما معتقدیم ساختن آن، تنها با حفظ پیشینه های فرهنگی جامعه و نهاددن به اسنادی محقق می شود که امروز مسئولیت حفظ و نگهداشت آن ها به ما سپرده شده است و این مهم میسر نخواهد شد، مگر با زدودن غبار غربت از چهره آرشوها، با استناد از مردمی که خود پدیدآوران اسناد و نگهدارندگان و بهره برداران آن هستند.

آرشوی، پدیده ای تازه و نو ظهور نیست. هرچند در دنیا امروز، این واژه گستره و کاربردی وسیع تر از گذشته پیدا کرده است، اما به جرئت می توان گفت، از زمانی که حکومت ها و دولت ها پا به عرصه ظهور نهادند، آرشوی هم جایگاهی در تشکیلات حکومتی به خود اختصاص داد. سرآغاز تاریخچه پیدایش آرشوها را به زمان پیدایش خط نسبت داده اند، در دولت های عصر باستان مانند آشوریان و سومری ها، مصریان، هیتی ها، یونانی ها و رومی ها، می توان آرشوها ی آن روزگار، در سه ساختار یعنی آرشوی سلطنتی، آرشوی معابد و آرشویهای خصوصی دیده می شد. تاریخ تشکیلی آرشوها را در شکل نوین آن ها، قرن دوازدهم میلادی می دانند. در آن قرن، با بگانی مفهومی تازه پیدا کرد و به دنبال آن، تحوولی در مفهوم آرشوها و نگرش جامعه نسبت به اهمیت آنها پدید آمد. از دوره زرناسن تا انقلاب کبیر فرانسه، روز به روز بر اهمیت سیاسی آرشوها افزوده شد. در شکوفائی مفهوم نوین آرشوها، کشور فرانسه پیشگام بود. بروز انقلاب در آن کشور، با از میان برداشتن نهادهای قدیمی، امکان تمرکز آرشوها را به شیوه ای نوین فراهم آورد.

آرشوی در ایران نیز، دارای پیشینه ای که است و از آنچه در کتابها نقل شده است، چنین برمی آید که کشور ما از روزگار فرمانروائی هخامنشیان دارای نهادی با کار کردها و وظایف آرشوی بوده که در هر دوره، با نامی از آن یاد می شده است. واژه های چون خزانه، خزانه حجت و دفترخانه دیوان اعلا، از آن دست نام هایی است که در زمان های گذشته به آرشوی اطلاق می شده است. آرشوی با ساختار نوینش در ایران، با تصویب «قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران» در هفدهم اردیبهشت سال ۱۳۴۹ ش، در مجلس شورای ملی، پدیدار شد. این سازمان در نقش آرشوی ملی ایران، تا سال ۱۳۸۱ عنوان سازمانی مستقل مشغول فعالیت بود تا این که در تاریخ ۲/۱۶/۱۳۸۱، بر اساس مصوبه شورای عالی اداری، با کتابخانه ملی ایران ادغام و سازمانی جدید با عنوان «سازمان اسناد و کتابخانه ملی

شورای فرهنگ عمومی روز ۱۹ اردیبهشت، زاوروز شیخ کلینی را به عنوان «روز اسناد ملی و میراث مکتوب» در تقویم به تصویب رساند.

پس از تصویب روز «اسناد ملی و میراث مکتوب» بسیاری از مؤسسات مرتبط همچون سازمان اسناد و کتابخانه ملی، کتابخانه و مؤره ملک، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و ... به سهم خود سعی در ارج نهادن به این روز کرده اند. آرشوها، تشکیلاتی با مأموریت های خاص و ویژه هستند. مأموریت هائی فراتر از موانع و مرمزهای مکان و زمان. آرشوی، حلقه ی پیوند میان گذشته، حال و آینده ای که ما معتقدیم ساختن آن، تنها با حفظ پیشینه های فرهنگی جامعه و نهاددن به اسنادی محقق می شود که امروز مسئولیت حفظ و نگهداشت آن ها به ما سپرده شده است و این مهم میسر نخواهد شد، مگر با زدودن غبار غربت از چهره آرشوها، با استناد از مردمی که خود پدیدآوران اسناد و نگهدارندگان و بهره برداران آن هستند.

آرشوی، پدیده ای تازه و نو ظهور نیست. هرچند در دنیا امروز، این واژه گستره و کاربردی وسیع تر از گذشته پیدا کرده است، اما به جرئت می توان گفت، از زمانی که حکومت ها و دولت ها پا به عرصه ظهور نهادند، آرشوی هم جایگاهی در تشکیلات حکومتی به خود اختصاص داد. سرآغاز تاریخچه پیدایش آرشوها را به زمان پیدایش خط نسبت داده اند، در دولت های عصر باستان مانند آشوریان و سومری ها، مصریان، هیتی ها، یونانی ها و رومی ها، می توان آرشوها ی آن روزگار، در سه ساختار یعنی آرشوی سلطنتی، آرشوی معابد و آرشویهای خصوصی دیده می شد. تاریخ تشکیلی آرشوها را در شکل نوین آن ها، قرن دوازدهم میلادی می دانند. در آن قرن، با بگانی مفهومی تازه پیدا کرد و به دنبال آن، تحوولی در مفهوم آرشوها و نگرش جامعه نسبت به اهمیت آنها پدید آمد. از دوره زرناسن تا انقلاب کبیر فرانسه، روز به روز بر اهمیت سیاسی آرشوها افزوده شد. در شکوفائی مفهوم نوین آرشوها، کشور فرانسه پیشگام بود. بروز انقلاب در آن کشور، با از میان برداشتن نهادهای قدیمی، امکان تمرکز آرشوها را به شیوه ای نوین فراهم آورد.

آرشوی در ایران نیز، دارای پیشینه ای که است و از آنچه در کتابها نقل شده است، چنین برمی آید که کشور ما از روزگار فرمانروائی هخامنشیان دارای نهادی با کار کردها و وظایف آرشوی بوده که در هر دوره، با نامی از آن یاد می شده است. واژه های چون خزانه، خزانه حجت و دفترخانه دیوان اعلا، از آن دست نام هایی است که در زمان های گذشته به آرشوی اطلاق می شده است. آرشوی با ساختار نوینش در ایران، با تصویب «قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران» در هفدهم اردیبهشت سال ۱۳۴۹ ش، در مجلس شورای ملی، پدیدار شد. این سازمان در نقش آرشوی ملی ایران، تا سال ۱۳۸۱ عنوان سازمانی مستقل مشغول فعالیت بود تا این که در تاریخ ۲/۱۶/۱۳۸۱، بر اساس مصوبه شورای عالی اداری، با کتابخانه ملی ایران ادغام و سازمانی جدید با عنوان «سازمان اسناد و کتابخانه ملی

شورای فرهنگ عمومی روز ۱۹ اردیبهشت، زاوروز شیخ کلینی را به عنوان «روز اسناد ملی و میراث مکتوب» در تقویم به تصویب رساند.

پس از تصویب روز «اسناد ملی و میراث مکتوب» بسیاری از مؤسسات مرتبط همچون سازمان اسناد و کتابخانه ملی، کتابخانه و مؤره ملک، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و ... به سهم خود سعی در ارج نهادن به این روز کرده اند. آرشوها، تشکیلاتی با مأموریت های خاص و ویژه هستند. مأموریت هائی فراتر از موانع و مرمزهای مکان و زمان. آرشوی، حلقه ی پیوند میان گذشته، حال و آینده ای که ما معتقدیم ساختن آن، تنها با حفظ پیشینه های فرهنگی جامعه و نهاددن به اسنادی محقق می شود که امروز مسئولیت حفظ و نگهداشت آن ها به ما سپرده شده است و این مهم میسر نخواهد شد، مگر با زدودن غبار غربت از چهره آرشوها، با استناد از مردمی که خود پدیدآوران اسناد و نگهدارندگان و بهره برداران آن هستند.

آرشوی، پدیده ای تازه و نو ظهور نیست. هرچند در دنیا امروز، این واژه گستره و کاربردی وسیع تر از گذشته پیدا کرده است، اما به جرئت می توان گفت، از زمانی که حکومت ها و دولت ها پا به عرصه ظهور نهادند، آرشوی هم جایگاهی در تشکیلات حکومتی به خود اختصاص داد. سرآغاز تاریخچه پیدایش آرشوها را به زمان پیدایش خط نسبت داده اند، در دولت های عصر باستان مانند آشوریان و سومری ها، مصریان، هیتی ها، یونانی ها و رومی ها، می توان آرشوها ی آن روزگار، در سه ساختار یعنی آرشوی سلطنتی، آرشوی معابد و آرشویهای خصوصی دیده می شد. تاریخ تشکیلی آرشوها را در شکل نوین آن ها، قرن دوازدهم میلادی می دانند. در آن قرن، با بگانی مفهومی تازه پیدا کرد و به دنبال آن، تحوولی در مفهوم آرشوها و نگرش جامعه نسبت به اهمیت آنها پدید آمد. از دوره زرناسن تا انقلاب کبیر فرانسه، روز به روز بر اهمیت سیاسی آرشوها افزوده شد. در شکوفائی مفهوم نوین آرشوها، کشور فرانسه پیشگام بود. بروز انقلاب در آن کشور، با از میان برداشتن نهادهای قدیمی، امکان تمرکز آرشوها را به شیوه ای نوین فراهم آورد.

آرشوی در ایران نیز، دارای پیشینه ای که است و از آنچه در کتابها نقل شده است، چنین برمی آید که کشور ما از روزگار فرمانروائی هخامنشیان دارای نهادی با کار کردها و وظایف آرشوی بوده که در هر دوره، با نامی از آن یاد می شده است. واژه های چون خزانه، خزانه حجت و دفترخانه دیوان اعلا، از آن دست نام هایی است که در زمان های گذشته به آرشوی اطلاق می شده است. آرشوی با ساختار نوینش در ایران، با تصویب «قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران» در هفدهم اردیبهشت سال ۱۳۴۹ ش، در مجلس شورای ملی، پدیدار شد. این سازمان در نقش آرشوی ملی ایران، تا سال ۱۳۸۱ عنوان سازمانی مستقل مشغول فعالیت بود تا این که در تاریخ ۲/۱۶/۱۳۸۱، بر اساس مصوبه شورای عالی اداری، با کتابخانه ملی ایران ادغام و سازمانی جدید با عنوان «سازمان اسناد و کتابخانه ملی

شورای فرهنگ عمومی روز ۱۹ اردیبهشت، زاوروز شیخ کلینی را به عنوان «روز اسناد ملی و میراث مکتوب» در تقویم به تصویب رساند.

پس از تصویب روز «اسناد ملی و میراث مکتوب» بسیاری از مؤسسات مرتبط همچون سازمان اسناد و کتابخانه ملی، کتابخانه و مؤره ملک، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و ... به سهم خود سعی در ارج نهادن به این روز کرده اند. آرشوها، تشکیلاتی با مأموریت های خاص و ویژه هستند. مأموریت هائی فراتر از موانع و مرمزهای مکان و زمان. آرشوی، حلقه ی پیوند میان گذشته، حال و آینده ای که ما معتقدیم ساختن آن، تنها با حفظ پیشینه های فرهنگی جامعه و نهاددن به اسنادی محقق می شود که امروز مسئولیت حفظ و نگهداشت آن ها به ما سپرده شده است و این مهم میسر نخواهد شد، مگر با زدودن غبار غربت از چهره آرشوها، با استناد از مردمی که خود پدیدآوران اسناد و نگهدارندگان و بهره برداران آن هستند.

آرشوی، پدیده ای تازه و نو ظهور نیست. هرچند در دنیا امروز، این واژه گستره و کاربردی وسیع تر از گذشته پیدا کرده است، اما به جرئت می توان گفت، از زمانی که حکومت ها و دولت ها پا به عرصه ظهور نهادند، آرشوی هم جایگاهی در تشکیلات حکومتی به خود اختصاص داد. سرآغاز تاریخچه پیدایش آرشوها را به زمان پیدایش خط نسبت داده اند، در دولت های عصر باستان مانند آشوریان و سومری ها، مصریان، هیتی ها، یونانی ها و رومی ها، می توان آرشوها ی آن روزگار، در سه ساختار یعنی آرشوی سلطنتی، آرشوی معابد و آرشویهای خصوصی دیده می شد. تاریخ تشکیلی آرشوها را در شکل نوین آن ها، قرن دوازدهم میلادی می دانند. در آن قرن، با بگانی مفهومی تازه پیدا کرد و به دنبال آن، تحوولی در مفهوم آرشوها و نگرش جامعه نسبت به اهمیت آنها پدید آمد. از دوره زرناسن تا انقلاب کبیر فرانسه، روز به روز بر اهمیت سیاسی آرشوها افزوده شد. در شکوفائی مفهوم نوین آرشوها، کشور فرانسه پیشگام بود. بروز انقلاب در آن کشور، با از میان برداشتن نهادهای قدیمی، امکان تمرکز آرشوها را به شیوه ای نوین فراهم آورد.

آرشوی در ایران نیز، دارای پیشینه ای که است و از آنچه در کتابها نقل شده است، چنین برمی آید که کشور ما از روزگار فرمانروائی هخامنشیان دارای نهادی با کار کردها و وظایف آرشوی بوده که در هر دوره، با نامی از آن یاد می شده است. واژه های چون خزانه، خزانه حجت و دفترخانه دیوان اعلا، از آن دست نام هایی است که در زمان های گذشته به آرشوی اطلاق می شده است. آرشوی با ساختار نوینش در ایران، با تصویب «قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران» در هفدهم اردیبهشت سال ۱۳۴۹ ش، در مجلس شورای ملی، پدیدار شد. این سازمان در نقش آرشوی ملی ایران، تا سال ۱۳۸۱ عنوان سازمانی مستقل مشغول فعالیت بود تا این که در تاریخ ۲/۱۶/۱۳۸۱، بر اساس مصوبه شورای عالی اداری، با کتابخانه ملی ایران ادغام و سازمانی جدید با عنوان «سازمان اسناد و کتابخانه ملی

شورای فرهنگ عمومی روز ۱۹ اردیبهشت، زاوروز شیخ کلینی را به عنوان «روز اسناد ملی و میراث مکتوب» در تقویم به تصویب رساند.

پس از تصویب روز «اسناد ملی و میراث مکتوب» بسیاری از مؤسسات مرتبط همچون سازمان اسناد و کتابخانه ملی، کتابخانه و مؤره ملک، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و ... به سهم خود سعی در ارج نهادن به این روز کرده اند. آرشوها، تشکیلاتی با مأموریت های خاص و ویژه هستند. مأموریت هائی فراتر از موانع و مرمزهای مکان و زمان. آرشوی، حلقه ی پیوند میان گذشته، حال و آینده ای که ما معتقدیم ساختن آن، تنها با حفظ پیشینه های فرهنگی جامعه و نهاددن به اسنادی محقق می شود که امروز مسئولیت حفظ و نگهداشت آن ها به ما سپرده شده است و این مهم میسر نخواهد شد، مگر با زدودن غبار غربت از چهره آرشوها، با استناد از مردمی که خود پدیدآوران اسناد و نگهدارندگان و بهره برداران آن هستند.

آرشوی، پدیده ای تازه و نو ظهور نیست. هرچند در دنیا امروز، این واژه گستره و کاربردی وسیع تر از گذشته پیدا کرده است، اما به جرئت می توان گفت، از زمانی که حکومت ها و دولت ها پا به عرصه ظهور نهادند، آرشوی هم جایگاهی در تشکیلات حکومتی به خود اختصاص داد. سرآغاز تاریخچه پیدایش آرشوها را به زمان پیدایش خط نسبت داده اند، در دولت های عصر باستان مانند آشوریان و سومری ها، مصریان، هیتی ها، یونانی ها و رومی ها، می توان آرشوها ی آن روزگار، در سه ساختار یعنی آرشوی سلطنتی، آرشوی معابد و آرشویهای خصوصی دیده می شد. تاریخ تشکیلی آرشوها را در شکل نوین آن ها، قرن دوازدهم میلادی می دانند. در آن قرن، با بگانی مفهومی تازه پیدا کرد و به دنبال آن، تحوولی در مفهوم آرشوها و نگرش جامعه نسبت به اهمیت آنها پدید آمد. از دوره زرناسن تا انقلاب کبیر فرانسه، روز به روز بر اهمیت سیاسی آرشوها افزوده شد. در شکوفائی مفهوم نوین آرشوها، کشور فرانسه پیشگام بود. بروز انقلاب در آن کشور، با از میان برداشتن نهادهای قدیمی، امکان تمرکز آرشوها را به شیوه ای نوین فراهم آورد.

آرشوی در ایران نیز، دارای پیشینه ای که است و از آنچه در کتابها نقل شده است، چنین برمی آید که کشور ما از روزگار فرمانروائی هخامنشیان دارای نهادی با کار کردها و وظایف آرشوی بوده که در هر دوره، با نامی از آن یاد می شده است. واژه های چون خزانه، خزانه حجت و دفترخانه دیوان اعلا، از آن دست نام هایی است که در زمان های گذشته به آرشوی اطلاق می شده است. آرشوی با ساختار نوینش در ایران، با تصویب «قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران» در هفدهم اردیبهشت سال ۱۳۴۹ ش، در مجلس شورای ملی، پدیدار شد. این سازمان در نقش آرشوی ملی ایران، تا سال ۱۳۸۱ عنوان سازمانی مستقل مشغول فعالیت بود تا این که در تاریخ ۲/۱۶/۱۳۸۱، بر اساس مصوبه شورای عالی اداری، با کتابخانه ملی ایران ادغام و سازمانی جدید با عنوان «سازمان اسناد و کتابخانه ملی

شورای فرهنگ عمومی روز ۱۹ اردیبهشت، زاوروز شیخ کلینی را به عنوان «روز اسناد ملی و میراث مکتوب» در تقویم به تصویب رساند.

پس از تصویب روز «اسناد ملی و میراث مکتوب» بسیاری از مؤسسات مرتبط همچون سازمان اسناد و کتابخانه ملی، کتابخانه و مؤره ملک، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و ... به سهم خود سعی در ارج نهادن به این روز کرده اند. آرشوها، تشکیلاتی با مأموریت های خاص و ویژه هستند. مأموریت هائی فراتر از موانع و مرمزهای مکان و زمان. آرشوی، حلقه ی پیوند میان گذشته، حال و آینده ای که ما معتقدیم ساختن آن، تنها با حفظ پیشینه های فرهنگی جامعه و نهاددن به اسنادی محقق می شود که امروز مسئولیت حفظ و نگهداشت آن ها به ما سپرده شده است و این مهم میسر نخواهد شد، مگر با زدودن غبار غربت از چهره آرشوها، با استناد از مردمی که خود پدیدآوران اسناد و نگهدارندگان و بهره برداران آن هستند.

آرشوی، پدیده ای تازه و نو ظهور نیست. هرچند در دنیا امروز، این واژه گستره و کاربردی وسیع تر از گذشته پیدا کرده است، اما به جرئت می توان گفت، از زمانی که حکومت ها و دولت ها پا به عرصه ظهور نهادند، آرشوی هم جایگاهی در تشکیلات حکومتی به خود اختصاص داد. سرآغاز تاریخچه پیدایش آرشوها را به زمان پیدایش خط نسبت داده اند، در دولت های عصر باستان مانند آشوریان و سومری ها، مصریان، هیتی ها، یونانی ها و رومی ها، می توان آرشوها ی آن روزگار، در سه ساختار یعنی آرشوی سلطنتی، آرشوی معابد و آرشویهای خصوصی دیده می شد. تاریخ تشکیلی آرشوها را در شکل نوین آن ها، قرن دوازدهم میلادی می دانند. در آن قرن، با بگانی مفهومی تازه پیدا کرد و به دنبال آن، تحوولی در مفهوم آرشوها و نگرش جامعه نسبت به اهمیت آنها پدید آمد. از دوره زرناسن تا انقلاب کبیر فرانسه، روز به روز بر اهمیت سیاسی آرشوها افزوده شد. در شکوفائی مفهوم نوین آرشوها، کشور فرانسه پیشگام بود. بروز انقلاب در آن کشور، با از میان برداشتن نهادهای قدیمی، امکان تمرکز آرشوها را به شیوه ای نوین فراهم آورد.

آرشوی در ایران نیز، دارای پیشینه ای که است و از آنچه در کتابها نقل شده است، چنین برمی آید که کشور ما از روزگار فرمانروائی هخامنشیان دارای نهادی با کار کردها و وظایف آرشوی بوده که در هر دوره، با نامی از آن یاد می شده است. واژه های چون خزانه، خزانه حجت و دفترخانه دیوان اعلا، از آن دست نام هایی است که در زمان های گذشته به آرشوی اطلاق می شده است. آرشوی با ساختار نوینش در ایران، با تصویب «قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران» در هفدهم اردیبهشت سال ۱۳۴۹ ش، در مجلس شورای ملی، پدیدار شد. این سازمان در نقش آرشوی ملی ایران، تا سال ۱۳۸۱ عنوان سازمانی مستقل مشغول فعالیت بود تا این که در تاریخ ۲/۱۶/۱۳۸۱، بر اساس مصوبه شورای عالی اداری، با کتابخانه ملی ایران ادغام و سازمانی جدید با عنوان «سازمان اسناد و کتابخانه ملی

شورای فرهنگ عمومی روز ۱۹ اردیبهشت، زاوروز شیخ کلینی را به عنوان «روز اسناد ملی و میراث مکتوب» در تقویم به تصویب رساند.

پس از تصویب روز «اسناد ملی و میراث مکتوب» بسیاری از مؤسسات مرتبط همچون سازمان اسناد و کتابخانه ملی، کتابخانه و مؤره ملک، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و ... به سهم خود سعی در ارج نهادن به این روز کرده اند. آرشوها، تشکیلاتی با مأموریت های خاص و ویژه هستند. مأموریت هائی فراتر از موانع و مرمزهای مکان و زمان. آرشوی، حلقه ی پیوند میان گذشته، حال و آینده ای که ما معتقدیم ساختن آن، تنها با حفظ پیشینه های فرهنگی جامعه و نهاددن به اسنادی محقق می شود که امروز مسئولیت حفظ و نگهداشت آن ها به ما سپرده شده است و این مهم میسر نخواهد شد، مگر با زدودن غبار غربت از چهره آرشوها، با استناد از مردمی که خود پدیدآوران اسناد و نگهدارندگان و بهره برداران آن هستند.

آرشوی، پدیده ای تازه و نو ظهور نیست. هرچند در دنیا امروز، این واژه گستره و کاربردی وسیع تر از گذشته پیدا کرده است، اما به جرئت می توان گفت، از زمانی که حکومت ها و دولت ها پا به عرصه ظهور نهادند، آرشوی هم جایگاهی در تشکیلات حکومتی به خود اختصاص داد. سرآغاز تاریخچه پیدایش آرشوها را به زمان پیدایش خط نسبت داده اند، در دولت های عصر باستان مانند آشوریان و سومری ها، مصریان، هیتی ها، یونانی ها و رومی ها، می توان آرشوها ی آن روزگار، در سه ساختار یعنی آرشوی سلطنتی، آرشوی معابد و آرشویهای خصوصی دیده می شد. تاریخ تشکیلی آرشوها را در شکل نوین آن ها، قرن دوازدهم میلادی می دانند. در آن قرن، با بگانی مفهومی تازه پیدا کرد و به دنبال آن، تحوولی در مفهوم آرشوها و نگرش جامعه نسبت به اهمیت آنها پدید آمد. از دوره زرناسن تا انقلاب کبیر فرانسه، روز به روز بر اهمیت سیاسی آرشوها افزوده شد. در شکوفائی مفهوم نوین آرشوها، کشور فرانسه پیشگام بود. بروز انقلاب در آن کشور، با از میان برداشتن نهادهای قدیمی، امکان تمرکز آرشوها را به شیوه ای نوین فراهم آورد.

آرشوی در ایران نیز، دارای پیشینه ای که است و از آنچه در کتابها نقل شده است، چنین برمی آید که کشور ما از روزگار فرمانروائی هخامنشیان دارای نهادی با کار کردها و وظایف آرشوی بوده که در هر دوره، با نامی از آن یاد می شده است. واژه های چون خزانه، خزانه حجت و دفترخانه دیوان اعلا، از آن دست نام هایی است که در زمان های گذشته به آرشوی اطلاق می شده است. آرشوی با ساختار نوینش در ایران، با تصویب «قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران» در هفدهم اردیبهشت سال ۱۳۴۹ ش، در مجلس شورای ملی، پدیدار شد. این سازمان در نقش آرشوی ملی ایران، تا سال ۱۳۸۱ عنوان سازمانی مستقل مشغول فعالیت بود تا این که در تاریخ ۲/۱۶/۱۳۸۱، بر اساس مصوبه شورای عالی اداری، با کتابخانه ملی ایران ادغام و سازمانی جدید با عنوان «سازمان اسناد و کتابخانه ملی

شورای فرهنگ عمومی روز ۱۹ اردیبهشت، زاوروز شیخ کلینی را به عنوان «روز اسناد ملی و میراث مکتوب» در تقویم به تصویب رساند.

پس از تصویب روز «اسناد ملی و میراث مکتوب» بسیاری از مؤسسات مرتبط همچون سازمان اسناد و کتابخانه ملی، کتابخانه و مؤره ملک، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و ... به سهم خود سعی در ارج نهادن به این روز کرده اند. آرشوها، تش